

بررسی رابطه ابعاد کارکرد خانواده و خلاقیت هیجانی با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان تیزهوش

سمیه ساداتی فیروزآبادی^{1*}، صادق یوسفی²

1. استادیار، روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه شیراز

2. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یاسوج

تاریخ دریافت: 1395/09/19 تاریخ پذیرش: 1397/07/30

Investigating the Relationship between Family Function and Emotional Creativity with Mediating Role of Coping Styles among Gifted Students

S. Sadati Firoozabadi^{1*}, S. Yousefi²

1. Assistant Professor, Psychology and Education of Exceptional Children, Shiraz University

2. M.A, Educational Psychology, Yasouj University

Received: 2016/12/09 Accepted: 2018/10/22

Abstract

The purpose of this study was to predict the emotional creativity of the gifted students on the basis of family functioning and coping styles. Research Method was descriptive study with correlational design. The population of this study consisted of gifted students in Esfahan city in the academic year of 1393-94. 137 students (95 boys and 42 girls) were selected by systematic random sampling. They answered three questionnaires which consist of Avril's questionnaire of emotional creativity (1999), McMaster Family Function dimensions questionnaire (1983) and Endler and Parker coping style questionnaire (1990). The validity and reliability of these scales were approved. Path analysis was used to analyze the data. The findings showed that there is a direct and negative relationship between behavior control and overall performance factors, and emotional creativity. In addition, the results showed that there is a positive relationship between Problem-focused style and emotional creativity whereas there is a negative relationship between emotion-focused style and emotional creativity. The family function factor has negative influence on emotional creativity due to problem-focused and emotion-focused style. Based on these results, it can be claimed that family has an important and influential role in emotional creativity of gifted students. In sum, these findings tell us those students who have more emotional creativity use more Problem-focused coping style against stresses and strains of life.

Keywords

Emotional Creativity, Family, Coping Style, Gifted.

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف پیش‌بینی خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس کارکرد خانواده و سبک‌های مقابله‌ای انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است و جامعه آماری آن شامل دانش‌آموزان تیزهوش پایه دوم متوسطه اصفهان که در سال تحصیلی 93-94 مشغول به تحصیل بودند، شد که از بین این جامعه تعداد 137 نفر (42 دختر و 95 پسر) با روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه خلاقیت هیجانی آوریل (1999)، پرسش‌نامه ابعاد کارکرد خانواده مک مستر (1983) و پرسش‌نامه سبک مقابله‌ای اندلر و پارکر (1990) بود که روایی و پایایی ابزارها تایید گردید و برای تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه کنترل رفتار و کارکرد کلی با خلاقیت هیجانی رابطه مستقیم و منفی دارد. همچنین بین سبک مسئله‌مدار و خلاقیت هیجانی رابطه مثبت و فاصله سبک هیجان‌مدار و خلاقیت هیجانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. دیگر یافته حاکی از آن بود که مؤلفه کارکرد خانواده به‌واسطه سبک مسئله‌مدار و هیجان‌مدار اثر منفی بر خلاقیت هیجانی دارد. برحسب نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت خانواده نقش مهم و تأثیرگذاری بر خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش دارد. و در مجموع اینکه دانش‌آموزانی که از خلاقیت هیجانی بیشتری برخوردار هستند در برابر استرس‌ها و فشارهای زندگی از سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده می‌کنند.

واژگان کلیدی

خلاقیت هیجانی، خانواده، سبک مقابله‌ای، تیزهوش.

*Corresponding Author: somayesadati@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول: سمیه ساداتی فیروزآبادی

ایمیل نویسنده مسئول:

مقدمه

نوجوانان سرمایه‌های آینده جامعه هستند. مدارس ویژه دانش‌آموزان سرآمد یا تیزهوش، شرایط ویژه‌ای برای پذیرش دانش‌آموزان خود دارند و این دانش‌آموزان محیط آموزشی متفاوتی نسبت به دانش‌آموزان مدارس عادی دارند (حق‌شناس و همکاران، 1385). چنین عواملی به احتمال می‌تواند موجب تفاوت بین ویژگی‌های هیجانی این دو گروه دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان باشد. در راستای این تفاوت، کنترل و مدیریت شناخت و هیجانات می‌تواند کمک بسزایی در این موضوع داشته باشد.

هیجان¹، سازه‌ای روان‌شناختی است که شامل ارزیابی شناخت، انگیزه‌ها و موقعیت‌ها می‌شود. در یک طبقه‌بندی کلی هیجانات در دو بعد متضاد قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از هیجان‌های مثبت یا خوشایند و هیجان‌های منفی یا ناخوشایند که برای اداره آنها به هوش هیجانی نیاز است (سالوی و مایر و کاروسو، 2002).

آوریل (به نقل از هاشمی، 1388) درجه‌ها و انواع گوناگونی را برای پاسخ‌های هیجانی خلاق بیان می‌کند؛ در پایین‌ترین سطح، خلاقیت هیجانی، کاربرد مؤثر هیجانات است که در یک فرهنگ پذیرفته شده و متداول است. در سطح پیچیده‌تر بعدی، این پاسخ‌ها مشتمل بر تعدیل و تغییر هیجان استاندارد است که نیازهای فرد یا گروه را بهتر تأمین کند و در بالاترین سطح شامل شکل‌گیری و رشد شکل جدیدی از هیجان بر اساس تغییر در باورها و قواعدی است که بر اساس آن هیجان‌ها شکل می‌گیرند و استوار می‌شوند. آوریل (2007) معتقد است افراد باهوش هیجانی، باورها و قواعدی را درک می‌کنند که یک هیجان را معنادار می‌کند و قادر هستند به‌طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. اگر پاسخ ارائه شده در تطابق با باورها و قواعد فرهنگی باشد، مؤثر بودن و همین‌طور «هوشمند»² بودن آن محتمل است.

خلاقیت هیجانی سازه‌ای در حوزه هیجان و عواطف است که اولین بار توسط آوریل و توماس نولز (1991)

مطرح شد. از دیدگاه این محققان خلاقیت هیجانی عبارت است از ابراز خود (اصالت) به روشی جدید (بداعت) که بر اساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط میان فردی او افزایش می‌یابد (اثربخشی) (آوریل، 2011). خلاقیت در حیطه هیجانات از سال 1980 با فعالیت آوریل شروع شد. او خلاقیت هیجانی را به‌صورت توانایی تجزیه و بیان ترکیبی از هیجان‌ها به صورتی بدیع و تأثیرگذار تعریف می‌کند (هاشمی، 1388). خلاقیت هیجانی دربرگیرنده 4 ملاک است که به‌صورت زیر بیان شده است: 1. صداقت، بیان صادقانه تجارب و ارزش‌های خویش، 2. بداعت، ایجاد تعبیر در هیجان‌های معمول و یا ایجاد حالات هیجانی جدید، 3. اثربخشی، هماهنگی هیجان با موقعیت به‌طوری‌که درنهایت برای فرد یا گروه مفید باشد و 4. آمادگی، توانایی درک هیجان و میل به شناسایی آن (آوریل و نولز، 1991؛ آوریل، 2005؛ ویدال، اسکیم و کمپ، 2010). در ارتباط با پیشایندهای خلاقیت به‌طور کلی و خلاقیت هیجانی به‌طور خاص برخی از پژوهش‌ها به نقش عوامل فردی یا درونی مانند ویژگی‌های شخصیتی (شیو و یی، 2015؛ آوریل و نولز، 1991)، توانمندی‌ها، سبک شناختی، مهارت‌های حرکتی و وراثت اشاره دارند و برخی پژوهش‌ها به نقش عوامل محیطی یا بیرونی مؤثر بر خلاقیت از جمله، خلاقیت شناختی (فاجز، کیومر و پورتر، 2007؛ ملتفت و ساداتی، 1392؛ حسینی و دشتی نژاد، 1395؛ مهدیزاده و همکاران، 1393)، سبک‌های والدگری (اسکینر، جانسون و اسنایدر، 2005)، الگوهای ارتباطی خانواده (کورنر و فیتزپاتریک³، 2002) و نیازهای روان‌شناختی پایه (دسی و ریان و همکاران، 2001) اشاره دارند. همچنین چارچوب انتخاب متغیرها بر اساس عوامل اثرگذار بر خلاقیت، و بر طبق نظریه دسی و ریان دسی (2004 و 2008 الف، ب، ج) و سونس، (2005) است. کارکردهای خانواده ممکن است کاملاً متنوع باشد؛ اما کارکرد اصلی خانواده باید برآوردن نیازهای فردی اعضای خانواده باشد؛ برای مثال در موقع لطمه شدید به یکی از اعضای خانواده، این نیازها امکان دارد به شکل تقاضای فزاینده‌ای برای منابع و وقت خانواده درآید

1. Emotional
2. Intelligent

3. Koerner & Fitzpatrick

عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار (میلر و همکاران، 2000). (علی زاده محمدی، غفار ملک خسروی، 1385). تحقیقات نشان می‌دهد بین دانش‌آموزان تیزهوش مشغول به تحصیل در مدارس ویژه تیزهوشان نسبت به دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مدارس عادی، از نظر سلامت روانی و سازگاری اجتماعی تفاوت چشمگیری وجود دارد و مدارس ویژه برای دانش‌آموزان تیزهوش مفیدتر است و پیامدهای مطلوبی برای آنها خواهد داشت (لاندو⁶ و شنایدر⁷، 1997؛ به نقل از حسن شریفی پاشا، 1389). میرلوحی (1386)، در تحقیق خود به رابطه معنادار بین خلاقیت و بعدها پاسخ‌دهی عاطفی و مشارکت عاطفی از ابعاد کارکرد خانواده دست یافت. آن‌چنان‌که در پیش از این بیان شد، خلاقیت هیجانی متأثر از عوامل مختلفی می‌تواند باشد که یکی از آنها، سبک‌های مقابله‌ای⁸ افراد در برخورد با استرس و فشارها است. از سازه‌های بسیار مهم در ارتباط با خلاقیت هیجانی، سبک مقابله‌ای نوجوانان است (محمدعلی گودرزی و همکاران، 1385). نوجوانی، دوره‌ای پر تغییر و پر چالش است که می‌تواند برای نوجوان استرس‌زا و دشوار باشد و تمام منابع بالقوه او را فراخواند. برای نوجوانانی که با تغییرات زیاد در جنبه‌های مختلف زندگی روبرو هستند، مقابله بسیار مهم است. مقابله فرایندی است که از طریق آن افراد استرس‌های ناشی از عوامل استرس‌زا را کنترل می‌کنند و هیجانات منفی ایجادشده به‌وسیله این عوامل را تحت کنترل درمی‌آورند. به‌عبارت دیگر، مقابله شناختی، هیجانی و رفتاری شخص برای کنترل درخواست‌های بیرونی و درونی ویژه‌ای است که فرد را تهدید می‌کند، یا به مبارزه می‌طلبد (کلین که⁹، 1999؛ ترجمه محمدخانی، 1386؛ نقل‌قول از شهرام محمدخانی و همکاران، 1387). بیلی نگر و موس¹⁰ (1981) مقابله را واکنش‌های شناختی و رفتاری افراد در پاسخ به موقعیت و عوامل فشارزا که در زندگی اخیرشان اتفاق افتاده است، تعریف

(واتزلوویک¹ و ویکلند²، 1978؛ به نقل از هندن³، 2008). از نظر کارکردی و بهداشت روانی هر خانواده به بهبود کلیه کارکردهای عاطفی، شناختی و رفتاری افراد خانواده منجر می‌شود و آنها را به بالاترین سطح ارتقا می‌دهد به طوری که افراد از توانایی‌های ذاتی خود در حد کمال استفاده می‌کنند و یک حالت سازگاری خوب، احساس بهزیستی و نگرش مثبت به زندگی و دیگران را ایجاد می‌کنند. کارکرد خانواده در اصل به ویژگی‌های سیستمی خانواده اشاره دارد. به‌بیان دیگر کارکرد خانواده یعنی، توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حدود مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده (پورتس⁴ و هاوول⁵، 1992؛ به نقل از کرمی و همکاران، 1391). از جمله نظریه‌های بسیار سودمند در حوزه پژوهش روی کارکرد خانواده، مدل مک مستر است. مدل مک مستر از کارکرد خانواده، یک مدل سیستمی با جهت‌گیری بالینی از کارکرد خانواده است که ویژگی‌های رفتاری و ساختاری گروه خانواده و الگوی تبادلی مهم موجود میان اعضای خانواده را معین می‌کند (کیت نر و همکاران، 1996؛ به نقل از علی زاده محمدی و همکاران). بر اساس این مدل دو ابزار ساخته شده است که امکان ارزیابی تجربی خانواده را هم از دیدگاه درون خانوادگی (با استفاده از ابزار سنجش خانواده) و هم از دیدگاه مشاهده‌گر بیرونی (با استفاده از مقیاس رتبه‌بندی بالینی مک مستر، MCRS) فراهم می‌کند (علی زاده محمدی، غفار ملک خسروی، 1385).

مدل مک مستر برای ارزیابی کارکرد بهنجار خانواده طراحی شده است و هدفش آن است که خانواده را قادر سازد تا از یک دامنه ناکارا به سوی دامنه‌ای کارا تر حرکت کند. مدل مک مستر شش بعد دارد؛ این شش بعد عبارتند از: حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی

6. Lando
7. Schneider
8. Coping Styles
9. Klinke
10. Bylyng and Mouse

1. Vatzlavyk
2. Viklund
3. Henden
4. Pvrts
5. Havel

مقابله‌ای نقشی مهم در خلاقیت هیجانی نوجوانان دارد، در این تحقیق عامل سبک‌های مقابله‌ای به‌عنوان متغیر مداخله‌گر در نظر گرفته شده است تا رابطه سه‌جانبه متغیر خلاقیت هیجانی، کارکرد خانواده و سبک‌های مقابله‌ای بررسی شود.

در زمینه ارتباط مستقیم کارکرد خانواده و سبک مقابله‌ای و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش پیشینه تحقیقاتی موجود نیست یا اگر وجود داشته باشد، کم و غیرقابل دسترس است؛ از این رو پژوهش حاضر به احتمال، برای نخستین بار به تبیین رابطه خلاقیت هیجانی و مدل کارکرد خانواده مک مستر و سبک مقابله‌ای در دانش‌آموزان تیزهوش پرداخته است. از این رو هدف اصلی این پژوهش رابطه خلاقیت هیجانی و ابعاد کارکرد خانواده و سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان تیزهوش است که به‌منظور رسیدن به هدف، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به فرضیات زیر است:

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه میان کارکرد خانواده و خلاقیت هیجانی در چارچوب یک مدل علی است؛ بنابراین، برای این منظور مدلی را که از پژوهش‌های قبلی مشتق شده و به‌عنوان مدل درون‌داد (شکل 1) انتخاب کرده که پس از ارزیابی روابط میان متغیرها، ضرایب برآورد شده و نهایتاً مدل برازش می‌شود.

روش

الف) جامعه آماری و افراد مورد مطالعه

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد بررسی، کلیه دانش‌آموزان دختر و در پایه دوم رشته‌های ریاضی و تجربی مقطع دبیرستان (متوسطه دوم) که در سال تحصیلی 1393-1394 در مدارس تیزهوشان ناحیه 1 شهر اصفهان با جمعیت 210 نفر مشغول به تحصیل بودند را شامل شد. حجم نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران جدول مورگان و با توجه به جمعیت جامعه 137 نفر (دختر 42 و پسر 95) در نظر گرفته شد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی نظامند استفاده شد.

می‌کنند. لازاروس مقابله را تلاش برای کنترل و اداره موقعیت‌های به نظر خطرناک و استرس‌زا تعریف کرده است. ساپینگتون¹ (1382) معتقد است در استفاده از سبک‌های مقابله‌ای هر یک از افراد به شیوه‌های متفاوت عمل می‌کنند و هیچ‌کس به محرک تنش‌زا، پاسخی را که دیگران به آن داده‌اند، نمی‌دهد. ویژگی‌های مقابله مهم است. زیرا به ما امکان می‌دهد تا راهبردهای مقابله‌ای متفاوت را مطالعه و بررسی کرده و دریابیم کدام سبک در موقعیت‌ها و شرایط مختلف مناسب‌تر است؛ به‌طور کلی سه راهبرد اصلی مقابله با فشار راهبرد روانی وجود دارد که عبارت‌اند از 1. راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار²، راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار³، راهبرد مقابله‌ای اجتنابی⁴. در سبک مقابله مسئله‌مدار فرد بر مسئله متمرکز می‌شود و سعی بر حل آن دارد. در این سبک فرد به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشارزا می‌پردازد، درباره آن فکر می‌کند، منابعی را که از آن برخوردار است ارزیابی می‌کند و برای استفاده از منابع در دسترس خود طرح و برنامه‌ای آماده می‌کند. مقابله هیجان‌مدار بر کنترل هیجان‌ات و واکنش‌های عاطفی تأکید می‌کند. افراد در این سبک مقابله، هیجانی برخورد می‌کنند و با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می‌کنند. در سبک مقابله‌ای اجتنابی، فرد سعی در تغییرات شناختی و دور شدن از واقعیت فشارآور دارد و با فاصله گرفتن از مشکل، اقدام به فرار و اجتناب کرده و برای دریافت حمایت عاطفی تلاش می‌کند. در این حالت فرد به دنبال برگرداندن آرامش به‌هم‌خورده‌ای است که به خاطر موقعیت فشارزا، به وجود آمده است و کوشش می‌کند تا خود را از آشفتگی‌های موجود و پریشانی برهاند. در پژوهشی که عبداللهی (1387)، در بررسی سبک‌های مقابله‌ای و خلاقیت هیجانی به انجام رساند نتایج حاکی از آن بود که رابطه معناداری بین خلاقیت هیجانی و سبک مسئله‌مدار از ابعاد سبک‌های مقابله‌ای برقرار است. با توجه به موارد بالا و با در نظر گرفتن اینکه سبک‌های

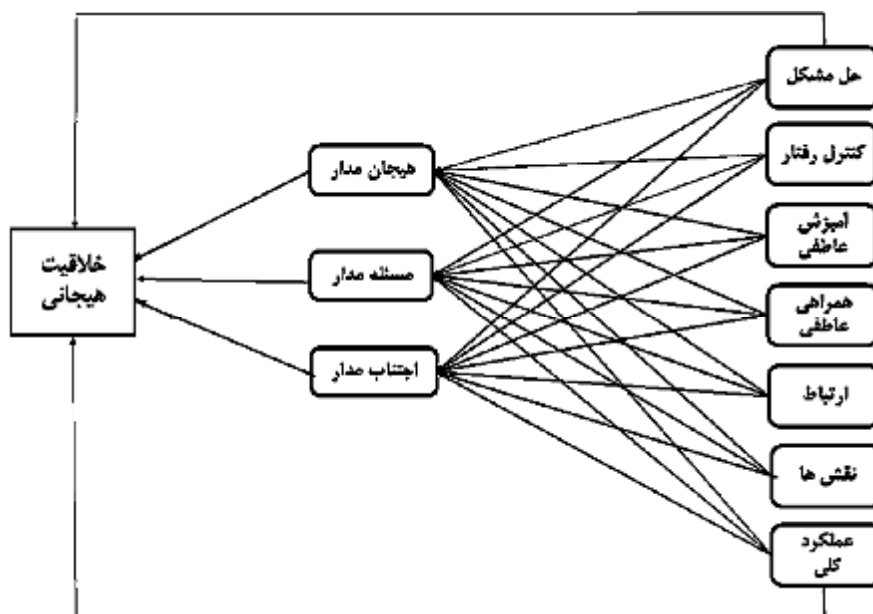
1. Sapyngtvn
2. Problem Focused Coping
3. Emotion Focused Coping
4. Avoidance Focused Coping

ب) ابزار اندازه‌گیری

1. مقیاس خلاقیت هیجانی

این پرسش‌نامه توسط آوریل (1999؛ ترجمه جوکار و البرزی، 1388) به منظور سنجش خلاقیت هیجانی در 3 مؤلفه امدادگی بداعت، اثربخشی و اصالت تهیه شده است و شامل 30 گویه است و هر گویه در طیف 1 (خیلی کم) تا 5 (خیلی زیاد) قرار دارد. حداقل نمره در این پرسش‌نامه برابر 30 و حداکثر نمره برابر 150 است با

برآورد کردند و برای چهار بعد دامنه‌ای بین 0/80 تا 0/89 را گزارش کردند. در ایران نیز عبداللهی و همکاران، (1387)، ضریب آلفای کرونباخ 0/68 و 0/65 را برای دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای نمره کل خلاقیت هیجانی، ضریب 0/94 و برای ابعاد امدادگی، بداعت و اثربخشی/اصالت به ترتیب، ضرایب 0/78، 0/92، 0/73 به دست



شکل 1. مدل فرضی اولیه در پیش‌بینی خلاقیت هیجانی

آمد. روایی این پرسش‌نامه در پژوهش‌های قدیری نژادیان (1381)، قدیری نژادیان و عبدی (2010) و هاشمی (1388) توسط متخصصان تأیید شده است.

2. مقیاس کارکرد خانواده

ابزار اندازه‌گیری در پژوهش حاضر، پرسش‌نامه سنجش خانواده (FAD) است که توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاپ (1982) بنابر الگوی مک‌مستر تدوین شده است و ابعاد مختلف حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون در ایران، طی دو مرحله ترجمه شده و

انجام تحلیل عامل آوریل (1999) وجود 3 عامل تأیید شد که این بیانگر روایی این مقیاس است. آوریل با روش آلفای کرونباخ، پایایی نمره کل خلاقیت هیجانی را 0/91 و پایایی ابعاد امدادگی، اثربخشی، اصالت و بداعت را به ترتیب 0/80، 0/89، 0/80، 0/85 به دست آورد و برای محاسبه روایی پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی و همبستگی با آزمون‌های مشابه استفاده کرد که بر اساس تحلیل عامل به جای چهار بعد، سه بعد به دست آورد. ابعاد اثربخشی و اصالت باهم تشکیل یک عامل دادند (جوکار و البرزی، 1388). گانزال و آوریل (1996)، ضریب پایایی آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ 0/86

جدول 1. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر کارکرد خانواده و ابعاد آن

نمره کل	عملکرد خانواده					ارتباط	حل مشکل	آماره‌ها
	عملکرد کلی	کنترل رفتار	آمیزش عاطفی	همراهی عاطفی	نقش‌ها			
2/14	2/04	2/20	2/08	3/33	2/26	2/11	1/99	میانگین
.30	.38	.39	.47	.42	.34	0/39	0/43	انحراف معیار
0/398	0/098	0/08	0/178	0/076	0/164	0/34	0/17	کجی
0/67	0/49	0/22	0/346	0/21	0/47	0/65	0/58	کشیدگی

همچنین مؤلفه‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار، کارکرد کلی، به ترتیب ضرایب 0/64، 0/77، 0/82، 0/84، 0/75، 0/74، 0/85 به دست آمد. مقیاس کارکرد خانواده تا حدی دارای روایی همزمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی 178 زوج حدوداً 60 ساله با مقیاس رضایت زناشویی لاک والاس همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا نشان داده است. به‌علاوه این ابزار قدرت متمایزسازی اعضای خانواده‌های بالینی و خانواده‌های غیر بالینی را دارد. بنابراین در هفت خرد مقیاس خود دارای روایی خوبی برای گروه‌ها شناخته شده است (ثنایی، 1379).

مشخصات روان‌سنجی آن اندازه‌گیری شده است. امینی (1379) در پژوهش خود پایایی نسخه 41 سؤالی مقیاس کارکرد خانواده را 0/92 برآورد کرد وی ضریب آلفای کرونباخ 7 خرد مقیاس را چنین ذکر کرد: حل مشکل 0/61، ارتباط 0/38، نقش‌ها 0/72، همراهی عاطفی 0/64، آمیزش عاطفی 0/65، کنترل رفتار 0/61 و کارکرد کلی 0/81 که نشان می‌دهد غیر از خرد مقیاس ارتباط بقیه همسانی درونی نسبتاً خوبی دارند. زاده محمدی و ملک خسروی (1385) در مطالعه خود در زمینه اندازه‌گیری ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون، پایایی باز آزمایی با فاصله یک هفته در گستره 0/56 برای خرد مقیاس پاسخ‌دهی عاطفی تا 0/8 برای خرد مقیاس نقش‌ها را گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای نمره کل کارکرد خانواده ضریب 0/96 به دست آمد.

جدول 2. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای خلاقیت هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای

نمره کل	خلاقیت هیجانی			سبک‌های مقابله‌ای			آماره‌ها
	اثربخشی	آمادگی	نوآوری	اجتناب‌مدار	هیجان‌مدار	مسئله‌مدار	
3/19	3/16	3/47	3/06	3/26	3/09	2/50	میانگین
.41	.57	.71	.42	.58	.55	.59	انحراف معیار
0/23	0/31	0/09	0/19	0/76	0/73	0/089	کجی
0/32	0/45	0/25	0/24	0/79	0/81	0/34	کشیدگی

3. مقیاس سبک‌های مقابله‌ای

ترجمه، هنجاریابی و برای بررسی سبک‌های مقابله با بحران نوجوانان تهران در دهه 71 - 1361 به کار گرفته شد. این آزمون شامل 48 مقوله (عبارت) است که پاسخ‌های هر مقوله به روش لیکرت از هرگز (1) تا خیلی زیاد (5) مشخص شده است. آزمون مقابله همان‌طور که

پاسخ‌های هیجانی به مسئله 3. مقابله اجتنابی یا فرار از مسئله است. فتوت احمدی، 1380 برای به دست آوردن پایایی پرسش‌نامه سبک‌های مقابله با استرس در گروه دانشجویان از آلفای کرونباخ استفاده کرد که در مقابله مسئله‌مدار، پسران 0/92 و دختران 0/85 و در مقایسه هیجان‌مدار پسران 0/82 و دختران 0/85 و در مقایسه

جدول 3. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش در بین دانش‌آموزان تیزهوش

متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13
حل مشکل													
ارتباط	.51**												
نقش‌ها	.51**	.30**											
همراهی عاطفه	.44**	.41**	.45**										
آمیزش عاطفی	.49**	.35**	.55**	.58**									
کنترل رفتار	.51**	.28**	.54**	.33**	.42**								
عملکرد کلی	.70**	.40**	.59**	.54**	.61**	.53**							
مسئله‌مدار	.40**	.26**	.24**	.19*	.22**	.18*	.44**						
هیجان‌مدار	-.08	.01	-.09	-.06	-.17*	-.17*	-.19*	-.13					
اجتناب‌مدار	.23**	.06	.15	.06	.07	-.01	.36**	.41**	.25**				
نوآوری	.16	.19*	.10	.05	.18*	.03	.10	-.03	-.25**	.16			
آمادگی	-.11	.08	-.11	-.03	.04	-.05	-.08	-.19*	-.34**	-.17*	.39**		
اثربخشی	.01	.04	-.08	-.14	-.01	.11	-.15	-.18*	-.18*	-.29**	.38**	.38**	

** معناداری در سطح اطمینان 99 درصد ($P < 0/01$)

* معناداری در سطح اطمینان 95 درصد ($P < 0/05$)

اجتنابی پسران 0/85 و دختران 0/82 به دست آمد. ضریب اعتبار پرسش‌نامه با موقعیت‌های استرس‌زا از طریق آلفای کرونباخ، در پژوهش قریشی در سطح بالایی (0/8133) به دست آمده است (به نقل از حاجت بیگی، 1379). در پژوهش حاضر، برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای نمره کل سبک مقابله‌ای، ضریب 0/94 و برای ابعاد مسئله‌مداری، هیجان‌مداری و اجتناب‌مداری به ترتیب، ضرایب 0/93، 0/89، 0/90 به دست آمد. روایی پرسش‌نامه یاد شده نیز طی تحقیقاتی که در ایران انجام شده ثابت گردیده است.

پیش از این اشاره شده، سه زمینه اصلی رفتارهای مقابله‌ای را در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از مقابله مسئله‌مدارانه یا برخورد فعال با مسئله در جهت مدیریت و حل آن، مقابله هیجان‌مدارانه یا تمرکز بر پاسخ‌های هیجانی به مسئله و مقابله اجتنابی یا فرار از مسئله که به دو شکل روی آوردن به اجتماع و افراد دیگر و یا روی آوردن و درگیر شدن در یک فعالیت تازه بروز می‌کند (اندلر و پارکر، 1990). پرسش‌نامه مقابله با بحران سه زمینه اصلی رفتارهای مقابله‌ای را در برمی‌گیرد که شامل 1. مقابله مسئله‌مدار یا برخورد فعال با مسئله در جهت مدیریت و حل آن. 2. مقابله هیجان‌مدار یا تمرکز بر

جدول 4. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر خلاقیت هیجانی برای دانش‌آموزان تیزهوش

مسیرها	برآورد غیراستاندارد	خطای معیار	C.R.	استاندارد(بتا) برآورد (p	واریانس تبیین شده
عملکرد کلی	<---	1/89	0/528	3/57	0/001	41
کنترل رفتار	<---	-1/732	-0/48	-6/3	0/001	
مسئله‌مدار	<---	1/64	-0/51	-3/2	0/001	
هیجان‌مدار	<---	-0/97	-0/37	-2/62	0/001	
اجتنابی	<---	0/76	-0/565	1/34	N.S	
عملکرد کلی	<---	2/198	0/434	-5/1	0/001	27
کنترل رفتار	<---	0/83	0/63	1/31	N.S	
عملکرد کلی	<---	1/849	0/541	3/42	0/001	23
کنترل رفتار	<---	0/75	0/66	1/13	N.S	
اثر غیر مستقیم	<---					
عملکرد کلی	<---	1/21	0/43	2/81	0/002	
کنترل رفتار	<---	0/85	0/59	1/4	N.S	

یافته‌ها

داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده است. در سطح توصیفی به گزارش میانگین، انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه قرار گرفته و در سطح استنباطی ماتریس همبستگی و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل مسیر را با استفاده از نرم‌افزار لیزرل بررسی شده و در پایان برازش مدل گزارش شده است.

ابتدا به ارائه شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده و سپس ماتریس همبستگی بین متغیرها ارائه شده است. جدول 1 و 2 میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و جدول 3 ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه را نمایش می‌دهد.

در جدول 1، میانگین کل نمره کارکرد خانواده برابر با 2/14 است که با توجه به دامنه نمرات که از 1 تا 4 است میانگین کمتری از مقدار متوسط دارد. مقایسه میانگین‌های ابعاد کارکرد خانواده نشان می‌دهد که بالاترین میانگین در بین ابعاد، مربوط به بعد همراهی عاطفی با میانگین 3/33 است و بعد از آن مربوط به بعد نقش‌ها با میانگین 2/26 است. پایین‌ترین میانگین (1/99) مربوط به بعد حل مشکل است. از آنجا که

شاخص‌های کجی و کشیدگی کمتر از قدرمطلق 1 است این مسئله بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها و به تبع آن رعایت پیش‌فرض پارامتریک است.

در جدول 2، میانگین متغیرهای سبک‌های مقابله‌ای و خلاقیت هیجانی گزارش شده است که با توجه به نمرات به دست آمده در سبک‌های مقابله‌ای می‌توان گفت که سبک مقابله‌ای اجتناب‌مدار با میانگین 3/26 دارای بالاترین میانگین در بین ابعاد دیگر است و پایین‌ترین میانگین با 2/50 مربوط به سبک مسئله‌مدار است. میانگین نمره خلاقیت هیجانی برابر با 3/19 است. مقایسه میانگین ابعاد خلاقیت هیجانی نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به بعد آمادگی با نمره 3/47 و پایین‌ترین میانگین مربوط به بعد اثربخشی با نمره 3/16 است. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول 3 گزارش شده است. در این جدول ابعاد کارکرد خانواده و ابعاد خلاقیت و سبک‌های مقابله‌ای گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که بعد نوآوری با ابعاد حل مشکل، ارتباط و آمیزش عاطفی و سبک مقابله هیجان‌مدار ارتباط دارد ($P < 0/05$). بعد آمادگی با هر سه سبک مقابله‌ای دارای ارتباط دارد و بعد اثربخشی هم با هر سه سبک مقابله‌ای ارتباط دارد.

و یارنولد (2002) حذف شده است. به منظور برازش مدل، از شاخص‌های برازش استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره 3 آمده است. با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول 5 گزارش شده مدل یاد شده از سطح برازش نسبتاً خوبی برخوردار است.

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان ابعاد کارکرد خانواده و خلاقیت هیجانی با توجه به میانجی‌گری سبک‌های مقابله‌ای انجام شد. برای رسیدن به این هدف با توجه به پیشینه نظری و تجربی متغیرهای مورد پژوهش، یک مدل مفهومی پیشنهاد شد و با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مدل پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش نسبتاً خوبی دارد و توانسته است 41 درصد از واریانس خلاقیت هیجانی را تبیین کند. تحلیل مسیر نشان داد، بعد کنترل رفتار به‌طور مستقیم با بتای 0/260- و بعد کارکرد کلی با 0/376- دو بعد کارکرد خانواده هستند که خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش را پیش‌بینی می‌کنند. هر چند پژوهشی در زمینه تدوین مدل ساختاری بر اساس این متغیرها با خلاقیت هیجانی در حد بررسی‌های انجام شده برای این موضوع، صورت نگرفته، اما تأثیر هر یک از این متغیرها به صورت مجزا به نوعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم مورد مطالعه قرار گرفته و کارائی آنها در افزایش خلاقیت هیجانی افراد بررسی شده است. از این جهت یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش صبری (1392) و علی عیسی زادگان (1391)، همخوان و همسو است. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که نقش خانواده در بهبود خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان مؤثر است. با توجه به اینکه در آزمون کارکرد خانواده نمره بالا در هر عامل نشان‌دهنده خانواده با کارکرد پایین است و برعکس، می‌توان گفت جهت منفی در دو بعد کارکرد کلی و کنترل رفتار نشان از این دارد که هرچه نمره این دو بعد بالا می‌رود، خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان پایین می‌آید و

با توجه به هدف پژوهش حاضر مبنی بر ارائه مدلی برای خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک مقابله‌ای از روش تحلیل مسیر که در ادامه به بیان آن پرداخته می‌شود، استفاده شد.

بر اساس یافته‌ها، در پژوهش حاضر مدل نهایی پیش‌بینی خلاقیت هیجانی بر اساس کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای مطابق شکل شماره 2 به‌دست آمده است.

نتایج جدول سوم علاوه ضرایب همبستگی متقابل متغیرها را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دامنه همبستگی نگرش نسبت به خلاقیت با متغیرهای پژوهش از 0/01 تا 0/61 است. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس کارکرد خانواده و سبک‌های مقابله‌ای است، جدول 4 ضرایب، اثر مستقیم و غیر مستقیم و کل متغیرهای پژوهش، همراه با سطح معناداری آنها آورده شده است. ذکر این نکته لازم است که قبل از انجام تحلیل مسیر نرمال بودن توزیع با استفاده از شاخص چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت که این پیش فرض برقرار بود.

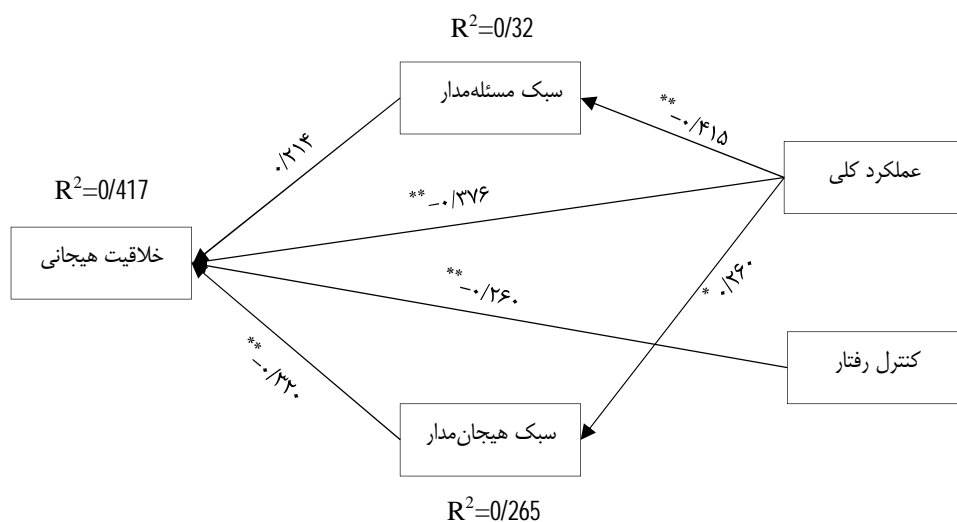
همان‌طور که نتایج جدول 4 نشان می‌دهد، در مجموع 41 درصد واریانس خلاقیت هیجانی توسط متغیرهای پژوهش تبیین می‌شود. بدین صورت که عملکرد کلی و کنترل رفتاری به ترتیب با ضرایب 0/38- و 0/26- به صورت منفی اثر مستقیم بر خلاقیت هیجانی دارد. سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار با ضریب 0/21 به صورت مثبت و سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار با بتای 0/32- به صورت منفی روی خلاقیت هیجانی اثر دارد. اثر غیرمستقیم عملکرد کلی 0/18 و کنترل رفتاری 0/06 است. در این راستا نمودار 2 مدل نهایی را نشان می‌دهد. در این مدل، متغیرهایی که معنادار نبوده‌اند و ضریب آنها کمتر از 10 درصد بودند، بنا به پیشنهاد گریب

جدول 5. مشخصه‌های برازش مدل

RMSEA	AGFI	GFI	NFI	CFI
0/055	0/96	0/95	0/92	0/91

محیط‌های خانوادگی به‌ویژه با تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد خانواده‌هایی که فضایی را برای ابراز هیجانات به فرزندانشان می‌دهند و آنها را تشویق می‌کنند تا در احساسات خود تأمل کنند، موجب تقویت مهارت‌های خلاقانه در آنها می‌شوند؛ به‌ویژه توانایی تنظیم و بروز هیجانات در خانواده‌هایی با بستر شناخت مسئله‌ها و حل آنها هم اطلاعات موضوعی و هم مهارت‌های خلاقانه و هم برانگیختگی درونی را در آنها افزایش می‌دهد و به آنها در تجزیه و تحلیل موقعیت هیجانی ابزار هیجانات به‌طور بدیع کمک می‌کند (به نقل از مصطفی صبری، 1392). با توجه به بعد کنترل رفتار که در این فرضیه نقشی حمایتی را در دانش‌آموزان ایفا می‌کند، می‌توان گفت کنترل رفتار استاندارد‌ها و آزادی‌های رفتاری را توصیف می‌کند؛ بنابراین در خانواده‌های دانش‌آموزان تیزهوش، والدین با ایجاد هنجارهایی صحیح و بجا در خانواده، مسیر خلاقیت هیجانی در فرزندان خود را فراهم کرده‌اند. همچنین بعد کارکرد کلی نشان از این دارد که مجموع این تعاملات، ویژگی‌هایی را در دانش‌آموز تیزهوش ایجاد می‌کند که شامل توانایی در تشخیص و درک هیجانات خود و

هرچه نمره کارکرد کلی و کنترل رفتار پایین آید، خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان بالا می‌رود؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که در خانواده‌های دارای دانش‌آموزان تیزهوش بعد کنترل رفتار و کارکرد کلی صحیح می‌تواند سبب افزایش خلاقیت هیجانی در این افراد شود. می‌دانیم که مؤلفه کنترل رفتار به قواعدی اشاره دارد که خانواده بر آن اساس آموزش را می‌گذراند. بعد کنترل رفتار همچنین دربرگیرنده میزان تأثیر و نفوذی است که اعضای خانواده بر یکدیگر دارند. خانواده برای بقاء و سازگاری نیاز به شیوه‌هایی برای کنترل رفتار اعضای خود دارد و کارکرد کلی نیز میانگینی از ابعاد مختلف کارکرد خانواده را نشان می‌دهد. آماده‌سازی در خلاقیت هیجانی منوط به داشتن ارتباطات باز، همدلی و برانگیختگی است که سه عامل بالا خود می‌تواند در حل مسائل در خانواده کمک کند و این امر نیز در بروز خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان مؤثر باشد. امابلی (2001)، معتقد است بروز خلاقیت به سه عامل اطلاعات موضوعی به معنای پرورش و کسب اطلاعات در زمینه مورد نظر، مهارت‌های خلاقانه به معنای ویژگی‌های شخصیتی خلاقانه همچون ریسک‌پذیری و خطا و



شکل 1. مدل نهایی پیش‌بینی خلاقیت هیجانی برای دانش‌آموزان تیزهوش

دیگران، استفاده از هیجانات در حل مسائل، تشخیص علل و پیامدهای هیجانات و در نهایت توانایی تنظیم و کنترل هیجانات و بروز ایده‌های نو خلاقانه در هیجان

کوشش در جهت حل مشکل و در نهایت برانگیختگی درونی است که از نظر او هر سه این شرایط برای بروز خلاقیت در هر حوزه‌ای چه شناختی و چه هیجانی در

که شامل گرایش آنها به ترجیح دادن راهکارهایی است که روی مهار خود، مسئله‌گشایی برنامه‌ریزی‌شده، جستجوی حمایت اجتماعی و ارزیابی مجدد مثبت تأکید دارد. افراد انعطاف‌پذیر، هیجانات منفی را پس می‌زنند و هیجانات مثبت را برای بازگشت و پیدا کردن معنای مثبت در هنگام مواجهه با تنش‌ها به کار می‌برند. از سویی دیگر، درباره رابطه منفی و معنادار خلاقیت هیجانی با سبک هیجان‌مدار می‌توان گفت افرادی که به هنگام رویارویی با استرس‌ها و مشکلات زندگی به سبک مقابله هیجان‌مدار روی می‌آورند؛ یعنی به جای حل و فصل بنیادی مشکل به دنبال کسب آرامش و تسکین موقتی می‌گردند و از شرایط استرس‌زا اجتناب می‌کنند، از خلاقیت هیجانی ضعیف‌تری برخوردارند که با نتایج پژوهش شهرام محمدخانی (1387) هم‌خوانی و هم‌سو هست و هرچه خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان افزایش یابد کمتر از شیوه‌های هیجانی مقابله با استرس در رویدادهای زندگی استفاده خواهند کرد.

از سویی دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در دانش‌آموزان تیزهوش، مؤلفه کارکرد کلی بر سبک مقابله‌ای مسئله‌مداری مؤثر و جهت آن منفی است؛ همچنین مؤلفه کارکرد کلی نیز بر سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار مؤثر و جهت آن مثبت است. نتایج نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف کارکرد خانواده با انتخاب سبک مقابله‌ای، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به طوری که می‌توان نمره سبک‌های مختلف مقابله فرد را از روی نمره اکتسابی در ابعاد مختلف مقیاس کارکرد خانواده پیش‌بینی کرد؛ بنابراین نتایج به‌دست‌آمده در این بخش همسو با نتایج تعدادی از تحقیقات دیگر از جمله امیرحسین خوش‌نام و محمد قمری (1389)، پروین کدیور و عبدالله اسلامی (1383)، مهرانگیز شعاع کاظمی و سعیده حقانی (1392)، رؤیا طاهری و کرامت اله زندی (1391)، فرضیه بالا را تأیید می‌کند. مطابق پژوهش‌های بالا چگونگی وضعیت کارکرد و ساختار خانواده با انتخاب راه‌کارهای مختلف برای مقابله با فشار روانی رابطه معنادار وجود دارد.

است و از آنجایی که افراد دارای خلاقیت هیجانی، به همکاری اجتماعی و روابط بین فردی اهمیت می‌دهند (آوریل، 1999) و در تنظیم و بروز هیجانات خود بهتر از دیگران عمل می‌کنند (جوکار و البرزی، 1388)، می‌توان گفت که تأکید چنین خانواده‌هایی بر همکاری و مشورت، موجب تقویت حس همکاری با دیگران، در فرزندان شده و بدین‌سان، بر استعداد بروز هیجانات خلاق در آنها تأثیر مثبتی می‌گذارند.

از دیگر نتایج این پژوهش، رابطه معنادار دو سبک مسئله‌مدار و هیجان‌مدار با خلاقیت هیجانی است. جهت تأثیر سبک مسئله‌مدار مثبت و جهت تأثیر سبک هیجان‌مدار منفی بوده است و شدت تأثیر سبک مسئله‌مدار برابر با 214/ و سبک هیجان‌مدار برابر با 320/-. است. این نتایج با نتایج تحقیقات محمدحسین عبداللهی (1387)، سید داود محمدی، سید اسماعیل ترابی (1387) و رحیم داوری (1386) همخوان و همسو است. آوریل (1999) بر اساس پژوهش‌هایی گزارش کرد، افرادی که نمره خلاقیت هیجانی آنها بالا هست، هنگام مواجهه با موقعیت پرتنیدگی طیفی از راهکارهای مقابله‌ای را به کار می‌برند که شامل گرایش آنها به ترجیح دادن راهکارهایی است که روی مهار خود، مسئله‌گشایی برنامه‌ریزی‌شده، جستجوی حمایت اجتماعی و ارزیابی مجدد مثبت تأکید دارد؛ و لذا بخشی از یافته‌ها با نتایج پژوهش آوریل (1999) همخوانی دارد. تاگدا (2004) اشاره می‌کند که افراد انعطاف‌پذیر هیجانات منفی را پس می‌زنند و هیجانات مثبت را برای بازگشت و پیدا کردن معنای مثبت در هنگام مواجهات پرتنیدگی به کار می‌برند. از سویی نیز ابراز هیجانات مثبت باعث می‌شود که افراد پیوندهای تازه‌ای بین ایده‌ها ببینند، اطلاعات را سازمان داده، یکپارچه سازند و راه‌حل‌های جدیدی را برای مشکلات خلق کنند. خلاقیت ناشی از این هیجانات، آمادگی فرد را برای درگیر شدن در فعالیت‌های مختلف بهبود و ارتقاء می‌بخشد. در این موقع، افراد در برابر موانع و مشکلات انعطاف‌پذیر می‌شوند؛ افرادی که نمره خلاقیت آنها بالاست، هنگام مواجهه با موقعیت‌های پرتنش، طیفی از راهکارهای مقابله‌ای را به کار می‌برند

واسطه‌ای خود را ایفا کند. با توجه به نتایج، کارکرد کلی در ابعاد کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک مقابله‌ای توانسته است اثر کلی بیشتری بر خلاقیت هیجانی بگذارد.

به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر هماهنگ با یافته‌های سایر مطالعات نشان می‌دهد خانواده می‌تواند نقشی مؤثر در بروز خلاقیت در حوزه هیجانات در دانش‌آموزان تیزهوش داشته باشد. همچنین ارتباط بین برخی مؤلفه‌های خلاقیت هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد می‌تواند ارتباط بین فشارهای زندگی و سلامت روان‌شناختی دانش‌آموزان را تعدیل کرده و از بروز مشکلات روان‌شناختی پیشگیری کند. با توجه به اینکه قسمت عمده‌ای از خلاقیت هیجانی و نیز مهارت‌های مؤثر و اثربخش خانواده بر فرزندان و نیز مهارت‌های مقابله‌ای آموختنی است؛ بنابراین می‌توان با تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثر، به تقویت این عناصر کمک کرد. با این حال باید توجه داشت که مفهوم‌سازی نظری و اعتباریابی تجربی خلاقیت هیجانی نیازمند مطالعات بیشتری است. مطالعه حاضر محدودیت‌هایی داشت که از جمله می‌توان حضور نداشتن خانواده در اجرای آزمون کارکرد خانواده و همچنین استفاده از ابزارهای خود گزارشی که گاه به اطلاعات غیر معتبر منجر می‌شود، اشاره کرد.

در راستای تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که با توجه به اینکه نمره پایین در آزمون کارکرد خانواده نشان از کارکرد بهتر دارد و بالعکس، می‌توان گفت در گروه دانش‌آموزان تیزهوش بین شیوه مسئله‌مداری مقابله با استرس و اختلال در کارکرد خانواده رابطه معکوس و بین شیوه هیجانی و اجتنابی مقابله با استرس و اختلال در کارکرد خانواده رابطه مستقیم وجود دارد. کسانی که از شیوه مسئله‌مدار استفاده می‌کنند، اقدامات هدف‌دار و مسئله‌مداری برای حل مسئله، سازمان‌بندی مجدد ذهنی از مسائل و کوشش در تغییر موقعیت با تأکید بر مسئله برنامه‌ریزی و حل مسئله انجام می‌دهند. کسانی که از مقابله هیجانی استفاده می‌کنند، پاسخ‌های هیجانی از جمله مقصر دانستن خود به خاطر هیجانی شدن زیاد، عصبانی شدن، خودشیفتگی و رؤیایی شدن نشان می‌دهند. استفاده‌کنندگان از مقابله اجتنابی نیز فعالیت‌ها و تغییرات شناختی دارند که به‌منظور اجتناب از موقعیت استرس‌زا انجام می‌شود. کارکرد خانواده جنبه مهم محیط خانواده است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سطح کارکرد بهینه در درون یک خانواده می‌تواند از طریق تغییرات در شرایط خانواده همچنین استرس‌های بیرونی دیگر که ممکن است محیط خانواده را متأثر سازد، تحت تأثیر قرار گیرد (قمری و خوش‌نام، 1389).

از سویی دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد در پژوهش بالا سبک مقابله‌ای توانسته است تا حد قابل قبولی نقش

منابع

- احمدی، سید احمد (1373). بهداشت روانی در خانواده. مجله پژوهش‌های تربیتی، 2، شماره 3 و 4.
- اسلامی، عبدالله (1380). بررسی رابطه ساختار تعاملات خانواده (کارکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی شهرستان کاشان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ثنائی، باقر؛ امینی، فریده (1379). مقایسه کارکرد خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، 2 (7-8)، 28-9.
- حاجت بیگی، صدیقه (1380). بررسی رابطه شیوه‌های مقابله با استرس خودکارآمدی و سلامت روان در دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- حقوق‌شناس، حسن؛ چمنی، امیررضا؛ فیروزآبادی، علی (1385). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان

قدیری نژادیان، فاطمه (1381). بررسی هنجاریابی مقدماتی مقیاس خلاقیت هیجانی بر روی دانشجویان روزانه دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

قمری، محمد (1390). مقایسه ابعاد کارکرد خانواده و کیفیت زندگی و رابطه این متغیرها در بین افراد معتاد و غیر معتاد. مجله اعتیادپژوهی، 5 (18)، 55-68.

کریمی، جهانگیر؛ زکی‌ای، علی؛ علیخانی، مصطفی (1391). رابطه کارکرد خانواده با اختلالات شخصیت بر اساس الگوی مک مستر. مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، 7، 537-553.

گودرزی، محمدعلی؛ معینی رودبالی، زهرا (1385). بررسی رابطه سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. مجله دانشور رفتار، 19 (1)، 32-23.

محمدی، علی زاده؛ ملک خسروی؛ غفار (1385). بررسی تأثیر موسیقی درمانگری فعال بر کاهش اختلالات رفتاری و عاطفی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست. مجله روان‌شناسی، 38، 222-231.

محمدی، سید داوود؛ ترابی، سید اسماعیل؛ غرابی، بنفشه (1387). ارتباط سبک‌های مقابله‌ای با هوش هیجانی در دانش‌آموزان. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، 53، 176-183.

مهدیزاده، عفت السادات؛ خدابخش، محمدرضا؛ کیانی، فریبا حاجی زاده نداف، صادق (1393). بررسی تأثیر تکنیک‌های مختلف پرورش خلاقیت ریاضی بر باور انگیزشی و شناختی در درس ریاضی دانش‌آموزان دختر. مجله پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، 2، 5، 7-17.

ملتفت، قوام و ساداتی فیروزآبادی، سمیه (1392). رابطه ابعاد کمالگرایی با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز. مجله پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، 3، 71-78.

هاشمی، سهیلا (1388). بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، 5 (2)، 103-79.

دانش‌آموزان دبیرستان‌های تیزهوشان و دبیرستان عادی. اصول بهداشت روانی، 29، 30، 66-57.

حسینی، فریده سادات؛ دشتی نژاد، سید بهمن (1395). شاخص‌های شخصیتی، انگیزشی / شناختی خلاقیت در دانشجویان: مدل معادلات ساختاری. مجله پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، 4، 14، 80-65.

جوکار، بهرام؛ البرزی، محبوبه (1389). رابطه ویژگی‌های شناخت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی. مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، 6 (1)، 89-110.

داوری، رحیم (1386). رابطه خلاقیت و هوش هیجانی، با سبک‌های کنار آمدن با استرس. فصل‌نامه اندیشه و رفتار، 2 (6)، 49-62.

سایپینگتون، اندورا (1382). بهداشت روانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی. تهران، انتشارات روان.

شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ حقانی، سعیده؛ سعادت، معصومه؛ خواجه وند، آرامه (1391). رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و سبک‌های مقابله‌ای در سیر بهبودی بیماران سرطان پستان. فصلنامه بیماری‌های پستان ایران، 6 (4)، 35-40.

طاهری، رویا؛ زندی، کرامت‌اله (1391). مقایسه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خودپنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر موسسه آموزش عالی ارم شیراز. نشریه ارمغان دانش، 17 (4)، 369-359.

صیادی، علی (1381). بررسی اثرات کارایی خانواده در بروز اختلال‌های روانی نوجوانان از نظر دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی 80-81. فصلنامه پیام مشاور، 8 (9)، 34-92.

صبری، مصطفی؛ البرزی، محبوبه؛ بهرامی، محمود (1392). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء، 9 (2)، 63-35.

عبدالله‌ای، محمدحسین؛ فراهانی، محمدتقی؛ ابراهیمی، احترام (1387). بررسی و مقایسه رابطه بین سبک‌های مقابله با تنیدگی، خلاقیت هیجانی و سلامت عمومی در دختران دانشجو. مجله روان‌شناسی، 12 (1)، 89-103.

- Amabile, T. M. (2001). Beyond Talent: John Irving and the Passionate Craft of Creativity. *American Psychologist*, 56(4), 333-336.
- Averill, J. R., & Thomas- Knowles, C. (1991). Emotional creativity. In K. T Strongman (Ed.). *International Review of Studies on Emotion*, 1, (269-299), London, Wiley
- Averill, J. R & Nunley, E. P. (1992). *Voyages of the heart: Living an emotionally creative life*. New York, Macmillan.
- Averill, J. R. (1999a). Creativity in the domain of emotion. In T. Dagleish M. Power (Eds). *Handbook of cognition and emotion*, 765-782, Chicheste, England: Wiley.
- Averill, J. R. (2001). The rhetoric of emotion, with a note on what makes great literature great. *Empirical Studies of the Arts*, 1, 19, 5-26.
- Averill, J. R. (2005). Emotions as mediators and as products of creative activity. In J. Kaufman & J. Baer (Eds.), *Creativity Across Domains: Faces of The Muse*, (225-243), Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Averill, J. R. (2007). Together again: Emotion and intelligence reconciled. In G. Matthews, M. Zeidner, & R.D. Roberts, (Eds.), *Emotional intelligence: Knowns and unknowns* (49-71), New York, Oxford University.
- Averill, J. R., & Thomas, k. C. (1991). Emotional creativity. In K. T. Strongman (Ed.), *International review of studies on emotion*. 1, 269-299.
- Averill, J.R. (1999). Individual differences in emotional creativity: structure and correlate, *Journal of Personality*, 6, 342-371.
- Averill, J.R. (2005). Emotions as mediators and as products of creative activity. In J. Kaufman & J. Baer, *creativity across domains: faces of the muse*, 225-243, Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Averill, J. R. (2011). Emotions and Creativity. Paper presented at the 12th conference on creativity & innovation (ECCI XII), Faro, Portugal
- Deci, E.L., Ryan, R.M., Gagne, M., Leonem, D.R., Usunov, J., & Kornazheva, B.P. (2001). Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: A cross - cultural study of self-determination. *Journal of the Society for Personality and Social Psychology*. 27(8):930-42.
- Deci, E. L. & Vansteenkiste, M. (2004). Self-determination theory and basic need satisfaction: understanding human development in positive psychology. *Ricerche di psicologia*. 27(1), 24-40
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008a). Facilitating optimal motivation and psychological well-being across life's domains. *Canadian Psychology*, 49(1), 14-23.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008b). Hedonia, eudemonia, and well-being: An introduction. *Journal of Happiness Studies*, 9, 1-11.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008c). Self-Determination Theory: A Macro theory of Human Motivation, development, and Health. *Canadian Psychology*, 49(3), 182-185
- Fuchs, G. L., Kumar, V.K., & Porter, J. (2007). Emotional creativity, alexithymia, and styles of creativity.
- Henden, J. (2008). *Preventing suicide: the solution focused approach*. East Sussex. PO198 SQ, England.
- Endler, N. S. & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 844-854.
- Miller, I. W., Ryan, C. E., Keitner, G. I., Bishop, D. S. & Epstein, N. B. (2000). The McMaster Approach to Families: theory, assessment, treatment and research. *Journal of Family Therapy*. 22, 168-189.
- Salovey, p., Mayer, J.D. & Caruso, D. (2002). The Positive psychology of Emotional Intelligence. In C.R. Snyder & S.J. Lopez (Eds.), *The Handbook of Positive Psychology* New York: Oxford University Press. pp. 159-171.
- Shu, C., & Yeh, H. (2015). Exploring the effects of videogame play on creativity performance and emotional responses, *Computers in Human Behavior*, 53, 396-407.
- Skinner, E. A., Johnson, S., & Snyder, T. (2005). Six dimensions of parenting: A motivational model. *Parenting: science and practice*, 5(2), 175-225.
- Soenens, B., & Vansteenkiste, M. (2005). Antecedents and Outcomes of Self-Determination in 3 Life Domains: The Role of Parents 'and Teachers' Autonomy Sup-

- port. *Journal of youth and adolescence*, 34(6), 589-604.
- Tugade, M. M. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2, 86, 320-333.
- Tamplin, A., Gooder, M. a., & Herbert, J. a. (1998). Family function and parent general health in families of adolescents with major depressive disorder. *Journal of Affective Disorder*, 1, 18, 1-13.
- Vidal, S., Skeem, J., & Camp, J. (2010). Emotional Intelligence: Painting Different Paths for Low- Anxious and High-Anxious psychopathic Variants. *Law and Human Behavior*, 34, 150-163.